

بررسی رابطه سازگاری اجتماعی و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی شهر بنت

زینب صابری^۱، زهرا صابری^۲، نورا بلوچی^۳، پریسا رنجبر آزادی^۴

^۱ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد نیکشهر و آموزش و پرورش منطقه بنت (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور نیکشهر و آموزش و پرورش منطقه بنت

^۳ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد نیکشهر و آموزش و پرورش منطقه بنت

^۴ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد نیکشهر و آموزش و پرورش منطقه بنت

چکیده

اصولاً با پیشرفت علم و تکنولوژی و صنعتی شدن زندگی جوامع بشری و افزایش زندگی شهرنشینی و از طرفی گسترش روزافزون استفاده از تلفن های هوشمند و حضور گسترده افراد جامعه در فضای مجازی موجب شده است سطح مراودات اجتماعی کاهش یابد و به تبع آن هوش هیجانی در تمامی سطوح سنی با تهدیدی جدی مواجه گردد امروزه هوش هیجانی به عنوان یک موضوع جدید در حوزه روان شناسی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است، مبین نقش هوش هیجانی و مولفه های آن در جنبه های مختلف زندگی فرد همچون پیشرفت تحصیلی، ازدواج، شغل و روابط اجتماعی می باشد. در شهر بنت از جامعه آماری معین و روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی از ۶۰ نفر از دانش آموزان ابتدایی (دوره دوم) پایه های چهارم و پنجم و ششم با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای گزینش نموده و مورد بررسی قرار گرفتند فرض اصلی پژوهش بر این بود که سازگاری اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی دوره دوم شهر بنت رابطه معناداری دارد در این پژوهش برای دریافت اطلاعات از پرسشنامه سازگاری اجتماعی سهرابی و سامانی (۱۳۹۰) سوالی استفاده شد.

واژه های کلیدی: سازگاری اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، دانش آموز، رابطه معنادار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- سازگاری اجتماعی

سازگاری اجتماعی، به وضعیتی اطلاق می شود که افراد خود را به تدریج و از روی عمد یا غیر عمد تعدیل می کنند تا با فرهنگ موجود سازگاری نمایند، هدف عمده و اصلی اجتماعی شدن هماهنگی فرد با محیط اجتماعی است تا با ارتباط سالم و مؤثری که بین فرد و جامعه برقرار می شود، زمینه رشد شخصی فراهم گردد. لذا مهمترین شاخص و نشانه ی اجتماعی شدن، سازگاری اجتماعی است، سازگاری اجتماعی انعکاسی از تعامل فرد با دیگران، رضایت از نقشهای خود و نحوه ی عملکرد در نقش هاست، که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخص قبلی، فرهنگ و انتظارات خانواده قرار می گیرد (والی پور، ۱۳۸۰).

مبانی نظری پیرامون سازگاری اجتماعی

بند اول: نظام و ساختار اجتماعی

یک نظام اجتماعی، مجموعه ای از کنشگران فردی است که در موقعیتی که دست کم جنبه فیزیکی یا محیطی دارد، با یکدیگر کنش متقابل دارند و رابطه ی شان با همدیگر و محیط بواسطه ی یک نظام ساختار بندی شده ی فرهنگی و نمادهای مشترک مشخص می شود (پارسونز ۱، ۱۹۵۱؛ نقل از ریتزر ۲؛ ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۸۷،)

پدیده ی جمعی به نسبت خود د بسنده است که اعضایش می توانند همه نیازهای فردی و جمعی شان را برآورده سازند و یکسره در چارچوب آن زندگی کنند (روشه، ۱۹۷۵؛ ترجمه زنجانی زاده، ۱۳۷۰). هومنز (۱۹۷۱) معتقد است که انسانها موجودات اجتماعی اند و در کنش متقابل با یکدیگر به سر می برند و اینکه اصول حاکم، بر رفتار فردی بر رفتار اجتماعی انسان ها نیز تسلط دارد. تبادل های انسانی ویژگی دوطرفه دارند و هر دو طرف در یک رابطه تبادلی با یکدیگر قرار دارند (ریتزر؛ ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۶ ساختار اجتماعی به الگوهای تشخیص پذیر در زندگی اجتماعی، قواعد مشاهده پذیر و اشکال قابل شناسایی اطلاق می شود

(بلاو، ۱۹۷۵) از طرفی درهم ریختگی بی شکلی و رفتار انفرادی بشری که تابع هیچ نظم و قاعده ای نیست در نتیجه ساختاری ندارد (هومنز، ۱۹۷۵؛ نقل از بیرامی، ۱۳۸۷).

کنشگران خود را در یک ساختار اجتماعی می یابند این ساختار اجتماعی همانندی های اجتماعی شان را مشخص می کند و آن نیز به نوبه ی خود الگوی برداشت آنها را از مزایایی که ممکن است از اتخاذ هر یک از راه های گوناگون کنش به دست آورند معین می سازند. درضمن، ساختار اجتماعی توانایی انجام دادن کنش از سوی کنشگران را در جهات متفاوت مشخص می سازد. کافمن (۱۹۶۶) معتقد است که ساختارها (قوانین، قواعد) افراد را قادر می سازد تا رخدادهای زندگی شخصی و جهان شان را ادراک کنند، ماهیت و موقعیت را تشخیص دهند و در جهت سازمان دادن تجربه و راهنمایی کنش فردی یا جمعی عمل کنند. گیدنز (۱۹۸۷)،

نظام اجتماعی را به عنوان عملکردهای اجتماعی باز تولید شده یا روابط باز تولید شده میان کنشگران یا جمع هایی که به صورت عملکردهای اجتماعی با قاعده سازمان گرفته اند تعریف می کند.

باید اظهار نمود که جهان حیاتی، مکانی متعالی است که گوینده و شنونده در آن ملاقات می کنند و به گونه ای متقابل این داعیه ها را مطرح می سازند که گفته های شان با دنیایشان سازگاری دارد آنها می توانند اعتبار این داعیه ها را مورد انتقاد یا تأیید قرار دهند در نتیجه به توافقهایی برسند (هابرماس، ۱۹۸۷؛ نقل از ریتزر؛ ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۸۷)

بند دوم: تعریف و ماهیت سازگاری

مفهوم سازگاری از واژه ی انطباق در زیست شناسی گرفته شده است که یکی از پایه های نظریه تکامل داروین (۱۹۸۵) است و به ساختارهای بیولوژیکی و فرایندهایی که زنده ماندن انواع موجودات را تسهیل می کند اشاره دارد (لازاروس، ۱۹۷۵؛ نقل از بشارت، ۱۳۸۴) سازگاری یک ساختار فیزیولوژیکی یا کالبد شناختی، یک فرآیند زیست شناختی یا یک الگوی رفتاری است که در طول تاریخ به بقا و تولید مثل کمک کرده است (ویلسون، ۱۹۷۵؛ نقل از توکلی، ۱۳۷۶) سازگاری از راه انتخاب طبیعی به وجود می آید و باید قابل انتقال از راه توارث باشد. (هرگنهان و السون ۲۰۰۵؛ ترجمه سیف، ۱۳۸۵).

هر موجودی برای حفظ خود و تامین نیازهایش تلاش می کند تا با محیطی که در آن زندگی می کند سازگار شود، این تلاش در انسان جریانی پویا و بدون انقطاع است چون هم نیازهای او متنوع و در حال دگرگونی هستند و هم شرایط و اوضاع و احوال محیطی که در آن نیازهای مزبور می بایستی برآورده گردند در حال تغییر و دگرگونی است (نوایی نژاد، ۱۳۷۰). سازگاری در روان شناسی عبارت است از رابطه ای که هراگانسیسم با توجه به شرایط پیرامون محیطش با محیط برقرار می کند. این اصطلاح معمولاً به سازگاری روان شناختی یا اجتماعی اشاره دارد و با معنای ضمنی مثبت، زمانی به کار گرفته می شود که فرد در یک

فرآیند مستمر برای ابراز استعداد های خود واکنش نسبت به محیط و در عین حال در جهت تغییر آن به گونه ای مؤثر و سالم درگیر است) ربر، ۱۹۹۵، به نقل از صدیق اورعی، (۱۳۷۹).

مک دونالد (۱۹۸۵) می گویند: "فردی سازگار است که پاسخهایی که او را به تعامل با محیطش قادر می کند، آموخته باشد و به طریق قابل قبول با اعضای جامعه خود رفتار کند تا نیازهای او ارضا شوند". یک فرد در یک موقعیت اجتماعی خاص می تواند خود را به راه های گوناگون با آن موقعیت تطبیق دهد یا سازگار کند (فنونی، ۱۳۸۰).

هم نوایی فرد با گروه عبارت است از اینکه فرد، باورها، ارزش ها، نمادها و هنجارهای گروه را درونی کرد و در ساخت شخصیت خود، یگانگی بخشیده باشد. همنوایی، استاندارد و یکسان شدن رفتار است (روشه، ۱۹۷۵؛ ترجمه زنجانی زاده، ۱۳۷۰).

منظور از سازگاری انطباق متوالی با تغییرات و ایجاد ارتباط بین فرد و محیط، به نحوی که با رفاه اجتماعی همراه باشد. سازگاری امری است نسبی و انسانها با درجات مختلفی به سازگاری دست می یابند (والی پور، ۱۳۸۰). زمانی که افراد دچار تضاد و یا در تأمین احتیاجات خود با مانع برخورد کنند اگر بتوانند برای رفع موانع عاقلانه رفتار کنند و از طریق مختلف اقدام نمایند در این

صورت فعالیت های آنان، مثبت و نتیجه بخش خواهد بود و این فعالیت ها را سازگاری گویند (شریعتمداری، ۱۳۹۶).

هر گاه تعادل جسمی و روانی فرد به گونه ای دچار اختلال شود که حالت ناخوشایندی به وی دست دهد و برای ایجاد توازن، نیازمند بکارگیری نیروهای درونی و حمایت های خارجی باشد، و در این اسلوب جدید موفق شود و مسأله را به نفع خود حل نماید، گویند فرآیند سازگاری به وقوع پیوسته است (اسلامی نسب، ۱۳۷۳). فرد اجتماعی شده پیوسته ارتباطی دوگانه با جامعه دارد، از یک سو در جامعه عجین شده است و از سوی دیگر در برابر آن می ایستد، از دید زمیل، در جامعه همیشه، هماهنگی با کشمکش، جذب با دفع و عشق با نفرت همراه است به این ترتیب روابط در جامعه سرشار از ابهام است. از طرفی افراد نسبت به همدیگر علاوه بر احساسات مثبت احساسات منفی نیز نسبت به یکدیگر دارند، بنابراین در عالم تجربه گروه و جامعه ای را نمی توان یافت که یکسره هماهنگ و عاری از هر گونه تضاد باشد. پارسونز (۱۹۹۵) عموماً چنین تصور می کرد که کنشگران در فرا گرد اجتماعی شدن، گیرندگانی منفعل اند، کودکان نه تنها عمل کردن، بلکه باید هنجارها، ارزش ها و اخلاقیات جامعه را فرا گیرند وی معتقد است نیاز به ارضا، کودکان را به اجتماع پیوند می دهد. این نیاز در مراحل بعدی زندگی، گرایش به ثبات دارند و از طریق یک تقویت ظریف و ملایم همچنان مستمر خواهند ماند. پس می توان گفت زمانی

فرد از سازگاری بهره مند است، که بتواند میان خود و محیط اجتماعی اش، رابطه ای سالم برقرار کرده و نیازها و انگیزه های خود را ارضا نماید (صدیق اورعی، ۱۳۷۹).

عوامل مؤثر بر سازگاری

در یک تقسیم بندی کلی می توان عوامل مؤثر بر سازگاری را در چهار دسته ذیل قرار دارد:

۱- عوامل فردی: ویژگی های فردی (از قبیل عدم جذابیت فیزیکی، وجود نقص عضو، بیماری های جسمی و مهارت های حرکتی که از کنترل فرد خارج هستند) در جذب و یا عدم پذیرش از سوی همسالان نقش مهمی دارند.

۲- عوامل خانوادگی: خانواده اولین و مهمترین محیطی می باشد که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی می یابد و در رشد شخصیت و اجتماعی شدن وی نقش اساسی به عهده دارند.

۳- عوامل اجتماعی: تغییرات سریع و بزرگ اجتماعی مانند فقر، اعتیاد، تماس دایمی با معیارهای اخلاقی و فرهنگی مغایر با معیارهای خانوادگی احتمالاً بر عدم سازگاری کودکانی افزایش می دهد.

۴- همسالان: احساس تعلق و وابستگی به دیگر انسان ها از اساسی ترین نیازهای فردی است که در زمینه های مختلفی از جمله روابط همسالان بروز میکند و بر رشد روانی و جسمی و اجتماعی فرد تأثیر می گذارد و به طور کلی نوجوانان، همسالانی را ترجیح می دهند که بشاش، انعطاف پذیر، خوش طینت و مشتاق باشند، افرادی از نظر آنها محبوبند که به دیگران یاری دهند تا احساس کنند از سوی سایرین پذیرفته شده اند، روابط ضعیف با همسالان در دوران نوجوانی پیشگوی ناسازگاری عاطفی دوران بزرگسالی است (ماسن؛ ترجمه یاسایی، ۱۳۸۰).

بررسی انواع سازگاری

اسکات (۱۹۸۹)، به نقل از فرقدانی، (۱۳۸۳) انواع سازگاری را به این صورت عنوان می کند:

الف - سازگاری آموزش یا تحصیلی

ب - سازگاری بین فردی یا اجتماعی

ج - سازگاری خانوادگی

از طرفی سینها و سینگ (۱۹۹۳) نیز سازگاری را به صورت، الف - سازگاری آموزشی ب - سازگاری اجتماعی و ج - سازگاری عاطفی توصیف کرده است.

الف - سازگاری آموزشی یا تحصیلی

جریان شکل گیری خود پنداره تحصیلی از این قرار است. اگر دانش آموز در فعالیت های مختلف آموزشی، در اکثر موضوع های درسی و در طی چندین سال متوالی، احساس شایستگی کند و از سوی دیگران کار و فعالیتش به طور مثبت ارزیابی شود یک احساس کلی شایستگی در وی - حداقل در ارتباط با یادگیری موضوع های درسی، ایجاد می شود. به همین منوال، اگر کوشش های یادگیرنده در فعالیت های آموزشی با شکست مواجه شود و از دیگران ارزیابی منفی دریافت کند در او نسبت به توانایی اش دست کم در رابطه با یادگیری آموزشی یک احساس عمیق عدم شایستگی ایجاد می شود (سیف، ۱۳۷۸).

این احساس شایستگی و مهارت های شخصی، فرد را قادر خواهد کرد تا در مقابله با موقعیت های بحرانی زندگی، روش های واقع بینانه ای را به کار برد. البته دانش آموزانی که زیر فشار والدین و در رقابت شدید با همکلاسی های خود در گرفتن نمره های بالا توفیق می یابند غالباً شخصیتی نامتعادل، وسواسی و مضطرب دارند. بیکر و دسایریک (۱۹۸۴) سازگاری تحصیلی را به عنوان داشتن نگرشهای مثبت نسبت به اهداف تحصیلی وضع شده، کامل کردن شروط تحصیلی، مؤثر بودن برای رسیدن به این شروط و نگرش مثبت به محیط تحصیلی تعریف کرده است (بالترا ۲۰۰۲، به نقل از عیدیان، ۱۳۸۵).

ب - سازگاری اجتماعی

سازگاری اجتماعی به وضعیتی اطلاق می شود که افراد خود را به تدریج و از روی عمد یا غیر عمد تعدیل می کنند تا با فرهنگ موجود سازگاری نمایند، هدف عمده و اصلی اجتماعی شدن هماهنگی فرد با محیط اجتماعی است تا با ارتباط سالم و مؤثری که بین فرد و جامعه برقرار می شود، زمینه رشد شخصی فراهم گردد. لذا مهمترین شاخص و نشانه ی اجتماعی از نقش های خود و نحوه ی عملکرد در نقش هاست، که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخص قبلی، فرهنگ و انتظارات خانواده قرار می گیرد (والی پور، ۱۳۸۰). در حیات اجتماعی افراد متمدن، سازگاری اجتماعی حتی از پاسخ گفتن انسان به احتیاجات بدنی هم مهم تر است. انسان علاوه بر جنبه فیزیولوژیکی که دارد یک موجود اجتماعی است. چنانچه کودک احساس ناامنی کند و یا دانشجوئی خود را تنها حس نماید و یا شخصی خود را شکست خورده بپندارد، لازم است به نحوی خود را با محیط سازش

دهد. فرق اساسی بین سازگاری فیزیولوژیکی و اجتماعی آن است که در طی جریان اول تنها یک راه جهت برقرار کردن تعادل از دست رفته وجود دارد و حال آنکه در جریان دوم عدم برقراری تعادل با وجود ناراحتی و پریشانی شخص باعث مرگ او نمی شود ولی دائماً انسان با آن دست به گریبان است. مثلاً شخص گرسنه چنانچه غذا به او نرسد فوت می کند ولی شخصی که احتیاج به محبت دارد با داشتن زندگی پررنجی به حیات خود ادامه می دهد (توکلی، ۱۳۷۶) برای مشخص کردن این نوع سازگاری اجتماعی باید هم به خود فرد و هم به گروه دوستان، همسالان و محیط وی توجه نمود تا درک بهتری از سازگاری اجتماعی بدست آید (اسکات، ۱۹۸۹، به نقل از فرقدانی، ۱۳۸۳).

ج - سازگاری خانوادگی

مکانیسم هایی است که توسط آن یک فرد احساس امنیت و اعتماد نسبت به اعضای خانواده خصوصاً والدین می یابد و با آنها ارتباط درستی برقرار می کند، این نوع سازگاری از طریق رضایت کودکان از خانواده هایشان و درجه دوستی آنها با والدین ارزیابی می گردد. از یافته ها چنین بر می آید که سازگاری خانوادگی با سازگاری آموزش ارتباط نزدیک دارد و ابعاد سازگاری از یکدیگر تأثیر می پذیرند. ویژگی هایی را برای خانواده های سالم که اعضای آن کاملاً سازگار هستند در نظر گرفته اند.

د - سازگاری عاطفی

واکنش کودک در سال های اول زندگی خود مربوط به اطرافیان و اغلب عاطفی است. این گونه واکنش ها در ابتدا کلی است و نمی توان دقیقاً بر آن ها نام یکی از حالات عاطفی را گذارد. همراه با جریان عمومی رشد در تمامی زمینه ها، تظاهرات عاطفی مربوط به هر یک از حالات عاطفی به مرور مشخص تر و اختصاصی تر می شوند. در واقع یادگیری و کسب تجربه باعث می شود که بین تظاهرات عاطفی و محیط اجتماعی سازش به وجود آید. توجه و پشتیبانی از کودک باعث می شود که او به استقلالی که مورد نیازش است دست یابد. به تدریج که کودک بزرگتر می شود همراه با رشد کلامی و شکل گیری شخصیتی او و کسب تجربه و یادگیری تظاهرات عاطفی، کودک راهی اجتماعی تر و مناسب تری برای بروز می یابد. همراه با کاسته شدن حالات عاطفی غیرمنطقی کودک، در صورت لزوم تظاهرات عاطفی او تغییر شکل می دهد تا متناسب با موقعیت اجتماعی شوند و امنیت او را به مخاطره نیندازد (وظیفه شناس، ۱۳۸۰) انسانی که از نظر عاطفی رشد یافته است. در ایجاد رضایت و وفاداری تواناست و از خشنود کردن دیگران لذت می برد.

پیشرفت تحصیلی

تعریف پیشرفت تحصیلی عبارت است از؛ موفقیت دانش آموزان در یک یا چند موضوع درسی (مثل: درک، فهم خواندن یا محاسبه عددی)، چنین پیشرفت‌هایی توسط آزمون‌های میزان شده تحصیلی اندازه‌گیری می‌شود. همچنین این اصطلاح بر پیشرفت فرد در کلاس، آن طور که در کار مدرسه ارزیابی می‌شود دلالت دارد. پیشرفت تحصیلی به جلوه‌ای (نمایی) از جایگاه تحصیلی دانش آموزان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره‌ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره‌ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره‌های مختلف باشد. برای پیشرفت تحصیلی می‌توان ملاک‌های گوناگون را در نظر گرفت که مشهورترین آنها میانگین نمرات کلاسی می‌باشد. از پیشرفت تحصیلی به عناوین یکی از شاخص‌های پیشرفت در نظام آموزش و پرورش مفهوم «انجام تکالیف و موفقیت دانش آموزان در گذراندن دروس یک پایه‌ی تحصیلی مشخص» یا «موفقیت دانش آموزان در امر یادگیری مطالب درسی» استفاده می‌شود. وجه مخالف آن اُفت تحصیلی است که یکی از معضلات نظام آموزشی می‌باشد که به شیوه‌های گوناگون همچون عدم موفقیت دانش آموزان در دستیابی به هدف‌های مقاطع تحصیلی مربوطه، مردودی و تکرار پایه‌های تحصیلی، ترک تحصیل زودرس، بیکاری و بلاتکلیفی خود را نشان می‌دهد.

پیشرفت تحصیلی یعنی این که؛ سطح مورد انتظار آموزشی برآورده شود و سازمان آموزش و پرورش به اهداف از پیش تعیین شده نزدیک‌تر شود. پیشرفت تحصیلی یعنی، افزایش میزان یادگیری، افزایش سطح نمرات و قبولی دانش‌آموزان در دروس و پایه تحصیلی. و در تعریفی دیگر می‌توان گفت: چنانچه آموخته‌های آموزشی فرد متناسب با توان و استعداد بالقوه او باشد یا آموخته‌های فرد متناسب با توان و استعداد وی بوده، در یادگیری فاصله‌ای بین توان بالقوه و بالفعل او نباشد، می‌توانیم بگوییم که دانش‌آموز به پیشرفت تحصیلی نائل گردیده است (اکبری، ۱۳۸۴: ۴۷).

پیشرفت تحصیلی به معنی میزان یادگیری و یا اکتساب مهارت‌ها و یا دانشی است که برای یک مقطع و یا سن بخصوصی وضع شده و بوسیله آزمون‌های مربوطه قابل اندازه‌گیری باشد. پیشرفت در هر حرفه و یا دانش لازمه یک زندگی موفق برای آینده هر فرد می‌باشد. معمولاً از خرد سالان، نوجوانان و جوانان هر جامعه‌ای انتظار می‌رود که در امر یادگیری یک حرفه و یا یک رشته تحصیلی برای یک زندگی توأم با موفقیت در آینده کوشا باشند. عدم موفقیت در پیشرفت تحصیلی و یا یادگیری هر حرفه‌ای می‌تواند ناشی از عوامل گوناگونی چون عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، خانوادگی، فرهنگی و در نهایت عوامل روانی باشد. اگر چه همه عوامل ذکر شده در پیشرفت تحصیلی و یا آموختن حرفه بسیار موثر هستند اما بسیاری از اوقات علی‌رغم مهیا بودن همه عوامل پیشرفتی حاصل نمی‌شود. و این عامل چیزی جز عوامل روانشناختی نیست. پیشرفت تحصیلی معلومات یا مهارت‌های اکتسابی عمومی یا خصوصی در موضوع‌های درسی است که معمولاً

بوسیله آزمایش‌ها یا نشانه‌ها و یا هر دو که معلمان برای دانش آموزان وضع می‌کنند، اندازه‌گیری می‌شود. همانطوریکه در تعریف پیشرفت تحصیلی مشاهده می‌شود، مفاهیم و مقوله‌های پیشرفت تحصیلی را می‌توان شامل دو مفهوم معلومات یا دانش و اطلاعات و مهارت‌ها دانست که علت عنوان موضوعات درسی در نظام آموزشی ارائه می‌شود. پس ما برای عملیاتی کردن پیشرفت تحصیلی و سنجش آن باید به دو مشخصه فوق توجه داشته باشیم. در زمینه سنجش پیشرفت تحصیلی به نظر دکتر سیف آزمون‌های پیشرفت تحصیلی مقدار دانش و اطلاعات و مهارت‌هایی که فرد تا لحظه اجرای آزمون کسب کرده است، اندازه می‌گیرند. منظور از مهارت، تخصص‌ها و صلاحیت‌هایی است که فرد از طریق آموزش و یادگیری آن را بدست می‌آورد. به این ترتیب می‌بینیم که در تعریف آزمون پیشرفت‌های تحصیلی توجه خاصی به تعریف پیشرفت تحصیلی بعمل آمده است.

معیارهای پیشرفت تحصیلی

در مورد معیارهای پیشرفت تحصیلی باید گفت که پیشرفت تحصیلی از راه‌های مختلف و با معیارهای متفاوت مشخص می‌شود، یکی از این معیارها معدل دانش آموزان در یک نیم سال تحصیلی و محاسبه معدل یک سال وی است. معیار دیگر مشخص کردن پیشرفت تحصیلی، محاسبه نمرات دانش آموزان در یک درس است. شیوه دیگر استفاده از مجموعه نمرات دروس یک سال می‌باشد و معیار آخر تعیین پیشرفت تحصیلی در طی چند سال و یا یک دوره تحصیلی است. اگر یک نمره از یک دوره تحصیلی یا میانگینی از یک گروه از دروس مختلف در حیطه‌ی موضوعی خاص یا میانگینی از دوره‌های مختلف تحصیلی، ملاکی برای پیشرفت تحصیلی باشد، این ملاک‌ها مسائل و مشکلات تشخیصی را به دنبال خواهد داشت. مثلاً کاربرد یک نمره واحد از یک دوره تحصیلی ویژه دارای روایی و پایایی کمتر است تا نمره‌ای که بر اساس ترکیب چندین نمره بدست می‌آید. کاربرد نمره‌های بدست آمده از دوره‌های مختلف تحصیلی در موضوعات مختلف نیز به منظور بدست آوردن معدل نمرات کلاس مسأله‌آیدشوار و سنگین است، زیرا این گونه نمرات شامل نمرات است که از دوره‌ها و رشته‌های تحصیلی متفاوت بدست آمده است و در یک مقیاس واحد ترکیب شده‌اند، در صورتی که هر یک از دانش آموزان می‌توانند سطوح متفاوتی از پیشرفت را در هر موضوع داشته باشند.

به نظر می‌رسد که پذیرش یک مقیاس چند بُعدی از پیشرفت به جای مقیاس یک بُعدی از پیشرفت تحصیلی، مفیدتر است. این بدین دلیل است که میانگین نمرات کلاسی برای هر مجموعه از دوره‌های تحصیلی پیش بینی کننده بهتری از پیشرفت تحصیلی می‌باشد تا ترکیب مجموعه‌ای از دروس متفاوت تحصیلی در یک مقیاس واحد. به هر حال می‌توان مقیاس‌های پیشرفت یک فرد را در یک حیطه‌ی خاص مانند: ریاضیات، علوم، تاریخ و ادبیات و غیره تحت عنوان معدل

کلاسی ویژه طبقه بندی کرد. در حالی که مقیاس های معدل کلاسی عمومی به پیشرفت فرد در همه موضوعات اشاره می کند. از طریق انتخاب یک مقیاس های معدل کلاسی ویژه این امکان وجود دارد که پیشرفت تحصیلی هر فرد در یک گروه ویژه از موضوعات مربوطه تعیین کرد، ولی زمانی که «معدل کلاس عمومی» به کار برده می شود امکان پیگیری پیشرفت فرد در حیطه های موضوعی مختلف وجود ندارد. خلاصه اینکه میانگین نمرات کلاسی، ملاکی رایج برای اندازه گیری پیشرفت تحصیلی می باشد. پیشرفت تحصیلی را به صورت های مختلفی تعریف کرده اند. در نظام آموزشی، پیشرفت تحصیلی را جلوه ای از جایگاه تحصیلی دانشجو می داند که ممکن است بیانگر نمره ای برای میانگین نمرات در دوره های مربوطه به یک موضوع و یا میانگین نمرات دوره های مختلف باشد. یک مدل کلی را برای بیشتر پژوهش های مربوط به پیشرفت تحصیلی ارائه داده اند. آن یک اندازه گیری چند بُعدی در پیشرفت تحصیلی عمدتاً شامل سلامت روانی، متغیرها و ویژگی های مشخص شخصیتی، استعداد و توانایی افراد، انگیزه، خود پنداره افراد، موقعیت و محیط خانواده، امکانات آموزشی و سواد والدین است. (غلامی، شهناز (۱۳۹۵))

از پیشرفت تحصیلی تعاریف زیر ارائه شده است:

مقدار دستیابی دانش آموز به هدف های تربیتی که معمولاً در حیطه شناختی و در یک موضوع درسی خاص است، می باشد. (خوی نژاد، ۱۳۷۴)

تعیین مقدار یادگیری دانش آموزان در طول یک نیمسال تحصیلی و یکسال تحصیلی که بوسیله یک آزمون در پایان دوره ی آموزشی اندازه گیری می شود مقدار یادگیری آموزشگاهی فرد به صورتی که توسط آزمون های مختلف دروس مانند ریاضی، علوم ... سنجیده می شود.

اما همانطور که فراهانی گفته است: رایج ترین ملاک برای تعیین پیشرفت تحصیلی میانگین نمرات دروس مختلف، مورد استفاده قرار می گیرد؛ زیرا دارای ثبات و اعتبار بیشتری نسبت به سایر ملاک ها است و دقیق تر پیشرفت تحصیلی را نشان می دهد. (شلویری، ۱۳۷۷)

عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی:

پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از ابعاد پیشرفت در نظام آموزش و پرورش است. که به معنی موفقیت دانش آموزان در گذراندن دروس یک پایه تحصیلی مشخص و یا موفقیت در امر یادگیری مطالب درسی می باشد و مخالف آن، افت تحصیلی است که از معضلات و مشکلات نظام آموزشی می باشد و به صورت های مختلف، مثل عدم موفقیت دانش آموزان در دستیابی به

اهداف مقاطع تحصیلی مربوطه و یا مردودی و یا تکرار واحدهای درسی مربوطه و ترک تحصیل زودرس و بلا تکلیفی خود را نشان می دهد (شلویری، ۱۳۷۷ به نقل از حیدری ۱۳۹۰).

پیشرفت تحصیلی را می توان چنین تعریف کرد: پیشرفت تحصیلی، موفقیت دانش آموزان است در یک یا چند موضوع درسی مثل درک و فهم، خواندن یا حساب کردن، که چنین پیشرفت هایی بوسیله آزمون های میزان شده تحصیلی اندازه گیری می شود (ماهر، ۱۳۶۹). و یا میزان یادگیری آموزشی بصورتی که توسط آزمون های مختلف دروس مانند ریاضی و دیکته سنجیده شود (سیف، ۱۳۷۶).

شیوه های ارزیابی پیشرفت تحصیلی

جهت اندازه گیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی راهها و شیوه های خاصی وجود دارد و از مدت ها پیش امتحانات و آزمون های متعددی وجود داشته که دائما در حال تکمیل آنها بوده اند. آزمون های پیشرفت تحصیلی را از نقطه نظرهای متفاوت می توان طبقه بندی کرد:

(مایر ۱۹۸۹، به نقل از فراهانی، ۱۳۷۶) آزمون ها را در چهار طبقه دسته بندی می کند.

- ۱- آزمون های معلم ساخته در مقابل آزمون های تجاری که توسط یک آموزگار و برای استفاده در کلاس تهیه می شود.
- ۲- آزمون های پیشرفت در مقابل آزمون های توانایی، که هدف آن اندازه گیری دانش ویژه ای است که در خلال یادگیری کسب شده است.
- ۳- آزمون های معیارگرا در مقابل آزمون های هنجارگرا، که آزمودنی با توجه به معیار خاصی سنجیده می شود.
- ۴- آزمون های پایانی در مقابل آزمون های تشخیصی: که در پایان یک قسمت از بخش های تدریس معلم به ارزشیابی از آنها پرداخته می شود

پیشرفت تحصیلی به عوامل متعددی بستگی دارد تقسیم بندی های متفاوتی از آن به عمل آمده است در یکی از این تقسیم بندی تفاوت های فردی و عوامل مربوط به مدرسه نظام آموزشی و پرورشی را بعنوان دو مقوله کل از عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیل نام می برد.

مایر ۱۹۸۹، به نقل از فراهانی، ۱۳۷۶) عوامل زیر را به عنوان بهترین پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی معرفی کرده اند

الف: عوامل درونی:

شامل هوش، انگیزش، خود پنداره، عزت نفس، خودکارآمدی و مکان کنترل

ب: عوامل بیرونی:

- ۱- عواملی که در خانواده قرار دارند، مثل ارتباط والدین و کودک، میزان تحصیلات والدین و غیره
 - ۲- عواملی که در خارج از حیطه خانواده قرار دارد، مثل محیط مدرسه، شیوه آموزش، جو کلاسی و غیره
- از نظر جان هاتی جو کلاس نیز بر روی یادگیری تاثیر میگذارد. یکی از این موارد تاثیر استعدادها، جنس، نژاد و ترکیب سنین مختلف و تعداد دانش آموزان در کلاس درس است.
- توافق عمومی بر این است که این عوامل ساختاری، تاثیر غیر مستقیم بر روی یادگیری دارند، چراکه معمولاً بنظر نمی‌رسد که همگام تغییر ساختار کلاس، نوع فعالیت و تدریس معلمان تغییر یابد. ونقش تاثیر همسالان نیز نادیده گرفته می‌شود.
- در تقسیم بندی دیگر علاوه بر موارد مذکور به شرایط محیطی و اقتصاد اجتماعی خانواده نیز اشاره شده است
- حتی بعضی از پژوهش‌ها سهم هر یک از عوامل را در پیشرفت تحصیلی معین کرده اند به عنوان مثال: سهم توانایی‌های فردی در حدود ۲۵٪ از واریانس را به خود اختصاص می‌دهد.
- به طور کلی متغیرهای و شناختی مجموعاً ۷۰٪ وسایل متغیرها از قبیل عوامل محیط اجتماعی و عوامل موقعیتی مجموعاً ۳۰٪ از واریانس را به خود اختصاص داده اند.
- به نظر سرلیسک و پروکس متغیرهای غیرشناختی زیر پا پیشرفت تحصیلی در سطح دانشگاه مرتبط هستند.
- خود پندارنده مثبت، ارزشیابی واقعی از خود، ترجیح اهداف بلند مدت از اهداف کوتاه مدت، دسترسی به افراد ذی نفوذ، تجربه‌ی رهبری موفقیت آمیز و خدمت اجتماعی آشکار (شلویری، ۱۳۷۷)
- کودک در طی مراحل مختلف رشد همان قدر که نیاز به استقلال فکری و عملی دارد، به همان میزان هم به کمک والدین نیاز دارد. این نیاز با شروع دوران تحصیل محسوس تر می‌شود. اینجاست که اولیاء باید با علم و اطلاع و کاملاً آگاهانه به یاری کودکان خود بشتابند اما این مشارکت نباید به گونه‌ای باشد که طفل ضعیف و متکی به دیگران بار بیاید. به وجود آوردن اتکاء به نفس در کودک و ایجاد حس مسئولیت در او بهترین راه موفقیت آنان است و کمک‌های اولیاء در یاد دادن مطالب درسی باید چنان باشد که کودک فکر کند این خود اوست که مشکلاتش را از پیش پایش بر می‌دارد. باید دانست که کودکان هم از داشتن استقلال احساس غرور می‌کنند.

توجه به مراحل زیر می تواند عامل موثری در پیشرفت تحصیلی کودکان باشد:

۱- عادت دادن کودک به نظم و ترتیب در کارهای روزانه: مسئله ای که کودکان و والدین آنها با شروع دوران تحصیل با آنها مواجه می شوند، زمان انجام تکالیف درسی است و معمولاً کودکان از زمان برداشتی سطحی و تئوریک دارند. طفل موقعی به یاد انجام تکالیف مدرسه اش می افتد که خستگی های ناشی از بازی و شیطنت او را از پا انداخته است. در چنین هنگامی که کودک خسته و خواب آلود مشغول سرهم بندی تکالیفش است، با غر زدنهای والدینش روبه رو می شود: این چه وقت انجام تکالیف است... این همه وقت را چه کردی؟... اولیاء از همان روزهای اول تحصیل و حتی قبل از آن باید کودک خود را به نظم و انضباطی آگاهانه عادت دهند. مشروط بر اینکه چنین نظمی توأم با تنوع و خلاقیت باشد. انضباط خشک طفل را خشن و عاصی بار می آورد. (غفارزادگان ۱۳۶۸ به نقل از حیدری ۱۳۹۰)

۲- برخورد منطقی و معتدل با کودک: کودک شما از نظر سن کودک نیست، بلکه یک انسان است که هر چیزی را درک می کند. درک این نکته ظریف لزوم برخورد منطقی و مستدل با کودک را بخوبی توجیه می کند. کودکان معمولاً به چیزهای توجه دارند که در نظر بزرگترها کم اهمیت و بی مورد جلوه می کند. الزاماً چنین توجهی سؤالات متعددی را در کودکان موجب می شود که گاه برای بزرگترها خنده آور و بی مفهوم است. (غفارزادگان ۱۳۶۸) والدین باید در جواب دادن به سؤالات کودکان و در برخورد با آنها توجه داشته باشند که ممکن است یک برخورد غیرمنطقی و یک حرف ناسنجیده در شخصیت کودکشان اثر سوء و پایداری داشته باشد، بخصوص در تشویق و تنبیه کودکان باید وسواس بیشتری نشان داد. کودک باید بداند که چرا تشویق یا تنبیه می شود نتایجی که از تشویق و تنبیه های بیجا حاصل می شود بدتر از آن است که بتوان در این جا ذکر کرد.

۳- اولیاء نباید نقطه مقابل مربیان قرار گیرند: کوچک شمردن معلم و نادان جلوه دادن او در ذهن کودک نسبت به مربی و کتاب ایجاد تردید می کند. کودک مطالب درسی را فقط به این خاطر به ذهن نمی سپارد که در کتاب نوشته شده است، بلکه بیشتر به این جهت آن را قبول دارد که از زبان ساده و شیرین معلمش می شنود. (غفارزادگان ۱۳۶۸) در مواردی ممکن است والدین هنگام بازدید کتابچه درس کودک، در جواب پرسشی که توسط معلم داده شده تردید کنند. در چنین مواقعی بهترین راه، مراجعه به مدرسه و مطرح کردن موضوع با معلم است.

۴- روش تدریس امری است پویا و تجربی: به این معنی که نباید روش های تدریس امروزی را با روش تدریسی که مثلاً بیست سال پیش مرسوم بوده، مقایسه کرد. امروزه روانشناسان و علمای تعلیم و تربیت با تکیه بر یافته های علمی خود که مبتنی بر تجربه و آزمایش است، برای بهبود بخشیدن در کیفیت وضع تحصیلی دانش آموزان در مقاطع مختلف

تحصیلی روش ها و طرق گوناگونی را ارائه می دهند. هر معلمی با استفاده از تجربیات خود و با ارتقاء مهارتهای شغلی خویش روشی دارد که مختص خود اوست. این مورد بیشتر در رسیدگی به مقدار تکلیفی که معلم تعیین کرده و همچنین در روش تدریس ریاضی بروز می کند.

در چنین مواردی والدین کودکان خود را متهم به دروغگویی کرده و یا معلمان آنها را نسبت به کارشان کم علاقه و بی توجه به حساب می آورند. به طور مثال اکنون تاکید بیشتری روی این مسأله می شود که تعیین تکلیف های سخت و طاقت فرسا نه تنها در یادگیری عامل موثری نیست بلکه موجب زدگی و فرار کودک از مدرسه می شود. معلم ممکن است روی شناختی که نسبت به دانش آموزان خود دارد برای هر یک مقدار معینی تکلیف تعیین کند یا در مورد تدریس ریاضی که گاه والدین راسد درگم می کند، مسئله ملموس تر است که جای خود خواهد آمد والدین قبل از هر گونه پیش داوری نسبت به کار معلم باید بیشتر در جریان تغییر و تحولات نظام آموزشی قرار گیرد (غفار زادگان ۱۳۶۸)

۵- اولیاء باید با مطالب کتابهای درس فرزندشان آشنا باشند: مطالبی برای هر سال در نظر گرفته شده، همانطور و بی حساب و کتاب نیست. مطالب درسی در دوره پنج سالگی (ساله) ابتدایی متناسب با نیازهای سنی، روحی کودک و گنجایش ذهنی او است. والدین که نسبت به تحصیل فرزندانشان خود علاقه بیشتری دارند، باید قبل از هر چیزی از مطالبی که به فرزندشان آموخته می شود، مطلع باشند. مرور کردن کتابهای درسی کودک می تواند چنین اطلاعاتی را در اختیار آنها قرار دهد. همچنین بیشتر تمرینات و موضوعاتی که در کتابهای درس دوره ابتدایی آمده، هدف خاصی را دنبال می کند، والدین باید به دور از هرگونه ساده نگری سعی کنند، هدفهای درسی را دریابند. در اینجا نباید به میزان تحصیلات و درجه علمی خود بالید. حتی معلمان مجرب هم که سالها در یک پایه تدریس کرده اند خود را بی نیاز از مطالعه کتابهای درسی نمی دانند.

۶- والدین باید آموخته های اطفال خود را به بیرون از کلاس تعمیم دهند: همانطور که پیش از این آمد والدین باید به طور غیرمستقیم در یادگیری مطالب درسی به کودکان خود کمک کند اکنون توجه خاصی روی این موضوع می شود که طفل آموخته های خود را صرفاً مشتی مفاهیم مجرد و انتزاعی که در چهارچوب تنگ کلاس محدود می شود، به حساب نیاورد، بلکه بتواند دانشی را که فرامی گیرد، در بیرون از مدرسه بکار برد و بدین وسیله نیازهای روحی و جسمی را برطرف سازد. والدین می توانند با اطلاعاتی که از کتابهای درسی فرزند خود کسب کرده اند، در گردشها و مسافرتها، در خانه و خیابان و به بهانه های مختلف باب مصاحبت با آنان را بگشایند و دانش فرزندانشان را عملاً در بیرون از کلاس تعمیم دهند. روشن است که اگر این گفتگوها دو جانبه و دوستانه باشد، کودک را جذب خواهد کرد.

۷- مراجعه به مدرسه و جويا شدن از وضعیت تحصیلی کودک:مراجعه مداوم اولیاء به مدرسه و مشورت با معلمان و مربیان می تواند مشکل گشای بسیاری از مسائل باشد.همیشه باید به خاطر داشت که معلم کودک شما،برای پیشرفت در کار خود،که الزاماً به نفع فرزند شماست،همواره به همفکری شما نیازمند است.(غفاری زادگان، ۱۳۶۸)

روش های اندازه گیری و ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی برای اندازه گیری میزان یادگیری یا پیشرفت تحصیلی از امتحان استفاده می شود که عبارت است از در اندازه گیری و سنجش تغییرات حاصل در رفتار دانش آموزان با توجه به هدفهای آموزش و پرورش و به منظور هدایت یادگیری آنان (انصاری، ۱۳۷۵ به نقل از سلیمی ۱۳۸۵).

پیشینه ی تحقیق

اهدا جهانگیر (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان مقایسه عملکرد خانواده و رضایت مندی زناشویی در زنان متأهل شاغل و غیرشاغل شهر تهران نشان داد که بین عملکرد خانواده در زنان متأهل شاغل و غیرشاغل تفاوت معنی داری وجود دارد. بین عملکرد خانواده و رضایت مندی زناشویی در زنان شاغل و غیر شاغل رابطه معنی داری وجود داد. شاه آبادی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان سنجش میزان سازگاری اجتماعی در نوآموزان نشان داد که الف/ بین آموزش های پیش دبستانی و سازگاری اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. به این معنی که دانش آموزان دوره دیده نسبت به دانش آموزان دوره ندیده سازگاری بهتری داشتند. ب- بین دانش آموزانی که دوره پیش دبستانی را دیده اند، با سازگاری اجتماعی از لحاظ جنسیت تفاوت معنی داری وجود ندارد. به عبارت دیگر، بین پسران و دختران آموزش دیده و سازگاری اجتماعی آن ها تفاوت وجود ندارد. ج) بین تحصیلات پدر، شغل پدر، تحصیلات مادر، شغل مادر و سازگاری اجتماعی دانش آموزان، تفاوت معنی داری وجود دارد. شهرکی ثانوی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه ی الگوهای ارتباطی خانواده بر کیفیت زندگی نوجوانان نشان دادند الگوی ارتباط خانوادگی، قوی ترین پیش بینی کننده ی بعد رابطه خانوادگی بود. مردانی حموله، مرجان و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان ارتباط خوش بینی و سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان بیمارستان به این نتیجه رسیدند که خوش بینی و سبک های دلبستگی با رضایت زناشویی دارای رابطه معنی دار بوده است. جواد، حسینیان و شفیع آبادی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره ای به مادران بر بهبود عملکرد خانواده آنان نشان دادند که روش آموزش تحلیل محاوره ای بر بهبود عملکرد خانواده مادران مؤثر میباشد.

شکرکن و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان بررسی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی به عنوان پیش بین های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی

در اهواز نشان دادند شکست و موفقیت در رابطه زناشویی را می توان از روی متغیرهای ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی پیش بینی نمود.

بنابراین با توجه به اهمیت سازگاری اجتماعی در مدیریت استرس و سازگاری رفتارها و نهایتا پیشرفت تحصیلی، این مطالعه به منظور بررسی رابطه ی بین سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر ابتدایی شهر بنت انجام شده است.

بیان مساله

هدف اصلی از این تحقیق، تعیین میزان رابطه ی سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان ابتدایی ۹ و ۱۰ و ۱۱ ساله بود. فرض اصلی تحقیق عبارت بود از: سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی رابطه ی معناداری وجود دارد.

فرض های فرعی تحقیق عبارت بود از:

- بین عوامل مولفه های سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.

روش نمونه گیری

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه ی آماری این پژوهش کلیه ی دانش آموزان ابتدایی دوره دوم شهر بنت بودند که با توجه به میزان برآورد حجم آماری و روش پژوهش که توصیفی از نوع همبستگی بود، از میان آنان، ۵۲ نفر به شکل نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای گزینش شدند.

تعیین حجم نمونه:

اخذ تصمیم درباره حجم نمونه، از لحاظ تامین میزان دقت نتایج نمونه گیری و صرفه جویی در مقدار وقت و هزینه، از اهمیتی خاص برخوردار است. بدیهی است که بزرگ بودن حجم نمونه موجب صرف هزینه و وقت زیاد، و کوچک بودن حجم نمونه موجب عدم دقت کافی برآوردها می شود. سعی ما بر این است که در چارچوب اطلاعات موجود و با توجه به وقت و هزینه ممکن و دقت لازم، مناسب ترین حجم ممکن نمونه را انتخاب کنیم.

بدین ترتیب برای تعیین حجم نمونه به سراغ علم آمار می رویم و حجم نمونه را با در نظر گرفتن میزان دقت و سطح اطمینان مورد نظر محاسبه می کنیم.

برای تعیین تعداد نمونه مورد نیاز جهت برآورد پارامتر مورد نظر (برای مثال نسبت یک صفت خاص در جامعه، مانند نسبت معلمان ورزشکار) باید میزان اشتباه مجاز در برآورد پارامتر را در نظر گرفت. مقدار اشتباه مجاز () معمولا به صورت تفاوت میان پارامتر و برآورد آن بیان می شود. در برخی از پژوهش های علوم رفتاری که از طریق نمونه گیری انجام می شود، معمولا یافتن برآورد برای نسبت صفت متغیر در جامعه () مد نظر است.

در صورتی که بخواهیم نسبت افراد جامعه که دارای یک ویژگی خاصی هستند () را برآورد کنیم، جهت محاسبه حجم نمونه مورد نیاز از رابطه زیر استفاده می شود:

که در آن برآورد نسبت صفت متغیر با استفاده از مطالعات قبلی و است. همچنین مقدار متغیر نرمال با سطح اطمینان است که از جدول مربوطه استخراج می شود و در سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر ۱/۹۶ است. و در صورتی که حجم نمونه بیشتر از ۳۰ باشد، بر اساس قضیه حد مرکزی، توزیع میانگین نمونه به صورت بهنجار (نرمال) خواهد بود.

چنانچه مقدار در دسترس نباشد، می توان آن را مساوی ۰/۵ اختیار کرد. در این حالت مقدار واریانس () به حداکثر خود یعنی ۰/۲۵ می رسد.

چنانچه تعداد نمونه (n) بدست آمده از فرمول فوق نسبت به حجم جامعه (N) کوچک باشد ()، حجم نمونه محاسبه شده به عنوان نمونه نهایی مورد نظر قرار می گیرد. در غیر اینصورت، تعداد نمونه را n0 نامیده و با استفاده از رابطه زیر تعداد نمونه را برای حجم نهایی تعدیل می کنیم:

در این رابطه n0 حجم نمونه است که باید تعدیل شود.

قابل ذکر است اگر از همان ابتدا بخواهیم با توجه به حجم جامعه، نمونه را برآورد کنیم، فرمول فوق به قرار زیر خواهد بود (پس از جایگذاری فرمول قبل و خلاصه نمودن فرمول):

فرمول فوق، فرمول کوکران برای جامعه معین می باشد.

تعیین حجم نمونه در این پژوهش

حال برای تعیین حجم نمونه در این پژوهش سطح اطمینان را برابر ۰,۹۵ در نظر می گیریم (به عبارت دیگر ۵ درصد خطا را تحمل می کنیم). ضمناً مقدار اشتباه مجاز در برآورد نسبت یک ویژگی خاص را (مثلاً درصد (نسبت) آشنایی مدیران با وظایف خویش در رسیدن به اهداف) را برابر ۰,۰۵ در نظر می گیریم. ضمناً حجم جامعه کل نیز برابر با ۶۰ نفر می باشد.

در این صورت :

$$n = \frac{60(1.96)^2(0.25)}{60(0.05)^2 + (1.96)^2(0.25)} = 52$$

بنابراین حجم بهینه نمونه مساوی با ۵۲ نفر خواهد بود.

ابزار سنجش:

روش های آماری: داده ها از طریق نرم افزار (SPSS ۲۶) تجزیه و تحلیل شد. از شاخص های آمار توصیفی میانگین و انحراف استاندارد و شاخص های آمار استنباطی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس برای تجزیه و تحلیل داده ها، استفاده گردید.

معرفی ابزار

۱- پرسشنامه سازگاری اجتماعی توسط سهرابی و سامانی (۱۳۹۰) به منظور سنجش سازگاری اجتماعی طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۱۵ سوال و ۵ بعد سازگاری شخصی، سازگاری اجتماعی، سازگاری تحصیلی، سازگاری شغلی و سازگاری خانوادگی می باشد و بر اساس طیف لیکرت با سوالاتی مانند (مشکلی که برایم پیش آمده، ارتباط صمیمی مرا با دیگران و کسانی که با من زندگی می کنند را ضعیف می کند.) به سنجش سازگاری اجتماعی می پردازد.

تعریف عملیاتی متغیر پرسشنامه

در این تحقیق منظور از سازگاری اجتماعی نمره ای است که پاسخ دهندگان به سوالات ۱۵ گویه ای پرسشنامه سازگاری اجتماعی می دهند.

مولفه های پرسشنامه و پرسشنامه

توزیع سوالات پرسشنامه

ابعاد پرسشنامه	تعداد سوالها	شماره سوالها
سازگاری شخصی	۳	۱ تا ۳
سازگاری اجتماعی	۳	۴ تا ۶
سازگاری تحصیلی	۳	۷ تا ۹
سازگاری شغلی	۳	۱۰ تا ۱۲
سازگاری خانوادگی	۳	۱۳ تا ۱۵

ردیف	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	شرح	ردیف
										برخی اوقات مشکلات روزمره افراد، توانایی آنها در انجام امور و کارهای روزمره را تحت تاثیر قرار می دهد. برای بررسی تاثیر مشکلات شما بر روی هر یک از ابعاد زندگی خواهشمند است میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر کدام از موارد زیر با علامت ضربدر مشخص کنید.	۳
	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، توانایی مرا در انجام کارهای شخصی ام دچار ضعف می کند.	۱
	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، فعالیت های مربوط به اوقات فراغت شخصی مرا ضعیف می کند (گوش دادن به موسیقی، تماشای تلویزیون، مطالعه کردن، پیاده روی، باغبانی کردن).	۲
	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، توانایی انجام مدیریت کارهای شخصی ام را در من ضعیف می کند (مرتب کردن اتاقم، نظافت کردن، بی نظمی در کارها).	۳
	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، تحمل دیگران را برای من سخت می کند (زود رنج شدن، مستعد شدن برای عصبانیت، یه اعتنایی به دیگران).	۴
	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، فعالیت های تفریح مرا دچار ضعف می کند (مهمانی رفتن، پذیرایی از میهمان ها، تفریح با دوستان، بازی ها و فعالیت های گروهی).	۵
	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، ارتباط صمیمی مرا با دیگران و کسانی که با من زندگی می کنند را ضعیف می کند.	۶
	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، فعالیت های تحصیلی مرا ضعیف می کند (تمرکز برای مطالعه، مدت زمان مطالعه، روش مطالعه، مشارکت در کلاس).	۷
	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، انگیزه تحصیلی مرا ضعیف می کند (بی حوصلگی به هنگام مطالعه، بی رغبتی و کرختی برای شروع مطالعه، بی میلی در انجام تکالیف	۸

									درسی).
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، عملکرد تحصیلی مرا تضعیف می کند (پایین آمدن نمرات، ارثه تکالیف ضعیف).
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، انجام امور شغلی ام را ضعیف می کند (ضعف در انجام وظایف شغلی، حضور نامرتب در محیط کار).
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، ارتباط مرا در محیط کار با دیگران تضعیف می کند (ضعف در انجام وظایف شغلی، حضور نامرتب در محیط کار).
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، انگیزه مرا برای کار کردن ضعیف می کند (بی رغبتی به محیط کار، بی حوصلگی برای رفتن به سر کار، بی رغبتی به انجام کارها).
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، ارتباطم را با اعضای خانواده ام ضعیف می کند (تمایلی به تنهایی، کاهش میزان گفتگو، کاهش حضور در خانه، قهر کردن).
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، باعث درگیری با اعضای خانواده ام می شود (آمادگی برای پرخاشگری به اعضای خانواده، زیاد شدن بحث و مجادله با اعضای خانواده).
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	مشکلی که برایم پیش آمده، انگیزه ام را برای پرداختن به امور مربوط به خانه و خانواده ضعیف می کند (انجام وظایف خانوادگی، توجه به نیاز دیگر اعضای خانواده).

تحلیل بر اساس مولفه های پرسشنامه

به این ترتیب که ابتدا پرسشنامه ها را بین جامعه خود تقسیم و پس از تکمیل پرسشنامه ها داده ها را وارد نرم افزار اس پی اس کنید. البته قبل از وارد کردن داده ها شما باید پرسشنامه را در نرم افزار اس پی اس تعریف کنید و سپس شروع به وارد کردن داده ها کنید.

چگونگی کار را برای شفافیت بیشتر به صورت مرحله به مرحله توضیح می دهیم

مرحله اول. وارد کردن اطلاعات تمامی سوالات پرسشنامه (دقت کنید که شما باید بر اساس طیف لیکرت عمل کنید .

مرحله دوم. پس از وارد کردن داده های همه سوالات، سوالات مربوط به هر مولفه را کمپیوت (compute) کنید. مثلا اگر مولفه اول X و سوالات آن ۱ تا ۷ است شما باید سوالات ۱ تا ۷ را compute کنید تا مولفه X ایجاد شود.

به همین ترتیب همه مولفه ها را ایجاد کنید و پس از این کار در نهایت شما باید همه مولفه ها که ایجاد کردید را با هم compute کنید تا این بار متغیر اصلی تحقیق به وجود بیاید که به طور مثال متغیر مدیریت دانش یا ... است.

مرحله سوم. حالا شما هم مولفه ها را به وجود آورده اید و هم متغیر اصلی تحقیق را؛ حالا می توانید از گزینه آنالیز هر آزمونی که می خواهید برای این پرسشنامه (متغیر) بگیرید.

مثلا می توانید آزمون توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، واریانس) یا می توانید آزمون همبستگی را با یک متغیر دیگر بگیرید.

نمره گذاری پرسشنامه:

نمره	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
شدت									

برای محاسبه امتیاز هر زیرمقیاس، نمره تک تک گویه های مربوط به آن زیرمقیاس را با هم جمع کنید. برای محاسبه امتیاز کلی پرسشنامه، نمره همه گویه های پرسشنامه را با هم جمع کنید. دامنه امتیاز این پرسشنامه بین ۰ تا ۱۲۰ خواهد بود. هر چه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان دهنده میزان بیشتر سازگاری اجتماعی خواهد بود و بالعکس.

روایی و پایایی پرسشنامه

روایی ابزار جمع آوری داده ها

اعتبار یا روایی با این مسئله سر و کار دارد که یک ابزار اندازه گیری تا چه حد چیزی را اندازه می گیرد که ما فکر می کنیم (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش ربیعی (۱۳۹۲) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده است.

پایایی ابزارهای جمع آوری داده ها

قابلیت اعتماد یا پایایی یک ابزار عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه گیری هر آنچه اندازه می گیرد یعنی اینکه ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می دهد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش ربیعی (۱۳۹۲) برای این پرسشنامه بالای ۰/۶ برآورد شد.

ضریب پایایی پرسشنامه

پرسشنامه	ضریب پایایی (آلفای کرونباخ)
سازگاری شخصی	۰/۶۴
سازگاری اجتماعی	۰/۷۳
سازگاری تحصیلی	۰/۸۴
سازگاری شغلی	۰/۷۶
سازگاری خانوادگی	۰/۸۲

روش کار

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پایه چهارم، پنجم و ششم مقطع ابتدایی دوره دوم شهر بنت می باشد که در سال تحصیلی ۱۴۰۰ در یکی از مدارس شهر مشغول به تحصیل هستند نمونه پژوهش حاضر ۵۲ نفر تعیین شد که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند ابتدا از بین مدارس ابتدایی شهر ۳ کلاس به طور تصادفی انتخاب شدند در مرحله بعد از بین دانش آموزان پایه چهارم، پنجم و ششم هر یک از کلاس ها ۲۰ نفر انتخاب شدند به طور تصادفی تعداد ۵۲ نمونه پرسشنامه بین دانش آموزان توزیع شد دامنه سنی دانش آموزان انتخاب شده بین ۹ تا ۱۱ سال بود.

روش اجرا: اطلاعات مورد نیاز پژوهش با اجرای پرسش نامه ها به صورت گروهی بر روی نمونه های مورد نظر به دست آمد.

برای جلوگیری از سوگیری ذهنی آزمودنی ها نسبت به محتوای آزمون، نام و محتوای آزمون ها پس از اجرا به آن ها اعلام شده و نمرات برخی از آن ها که تمایل داشتند نیز در اختیارشان گذاشته شد. از تعداد ۶۰ پرسش نامه توزیع شده در نهایت ۵۲ پرسش نامه تکمیل شده به وسیله نرم افزار SPSS 26 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده ها: در پژوهش حاضر برای توصیف داده ها از شاخص های گرایش مرکزی مانند میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است و با توجه به روش و ماهیت پژوهش و سوالات آن، برای تحلیل سوال های پژوهش مستقل t از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و آزمون استفاده شده است.

در پژوهش حاضر برای گردآوری اطلاعات اولیه و بررسی متون موجود در حوزه موضوع پژوهش از اسناد و پژوهشهای گذشته استفاده گردید منابع کتابخانه ای و مقالات موجود در مجلات و نشریات داخلی اطلاعات مفیدی را به ما ارائه نمود که این اطلاعات ما را در یافتن شاخص های اصلی پژوهش برای گردآوری داده های مورد نیاز جهت سنجش موضوع مورد پژوهش یاری داد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت پرسشنامه بسته می باشد. به منظور گردآوری اطلاعات لازم، از پرسشنامه هوش هیجانی مایر و سالووی (۱۹۹۷) و پرسشنامه سازگاری اجتماعی سهرابی و سامانی (۱۳۹۰) استفاده شد.

دانش آموزان پسر در این پژوهش مد نظر بودند.

معدل پایان سال ملاک پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه - بین سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول-همبستگی بین سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

پیشرفت تحصیلی			متغیر مستقل	متغیر وابسته
سطح معناداری	همبستگی	تعداد	سازگاری اجتماعی	
۰/۰۰۱	۰/۴۱	۵۲		

برای آزمون وجود رابطه سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی از همبستگی استفاده گردید، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار $r=0/14$ و سطح معنی داری $0/001$)، می توان اظهار داشت که بین سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی با اطمینان لازم رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه مورد نظر تایید می شود.

فرضیه - بین مولفه سازگاری شخصی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد. جدول-همبستگی بین مولفه سازگاری شخصی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

پیشرفت تحصیلی			متغیر مستقل	متغیر وابسته
سطح معناداری	همبستگی	تعداد		
0/03	-0/38	52	مولفه سازگاری شخصی	

برای آزمون وجود رابطه بین مولفه سازگاری شخصی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی از همبستگی استفاده گردید، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار $r=0/38$ و سطح معنی داری $0/03$)، می توان اظهار داشت که بین مولفه سازگاری شخصی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی با اطمینان لازم رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه مورد نظر تایید می شود.

فرضیه - بین مولفه سازگاری تحصیلی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد. جدول همبستگی بین مولفه سازگاری تحصیلی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

پیشرفت تحصیلی			متغیر مستقل	متغیر وابسته
سطح معناداری	همبستگی	تعداد		
0/001	-0/46	52	سازگاری تحصیلی (سازگاری اجتماعی)	

برای آزمون وجود رابطه بین مولفه سازگاری تحصیلی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی از همبستگی استفاده گردید، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار $r=0/46$ و سطح معنی داری $0/001$)، می توان اظهار داشت که بین سازگاری تحصیلی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی با اطمینان لازم رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه مورد نظر تایید می شود.

فرضیه - بین مولفه سازگاری شغلی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد. جدول-همبستگی بین مولفه سازگاری شغلی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

			معناداری
تعداد	همبستگی	سطح	

۰٫۳۹-

۵۲

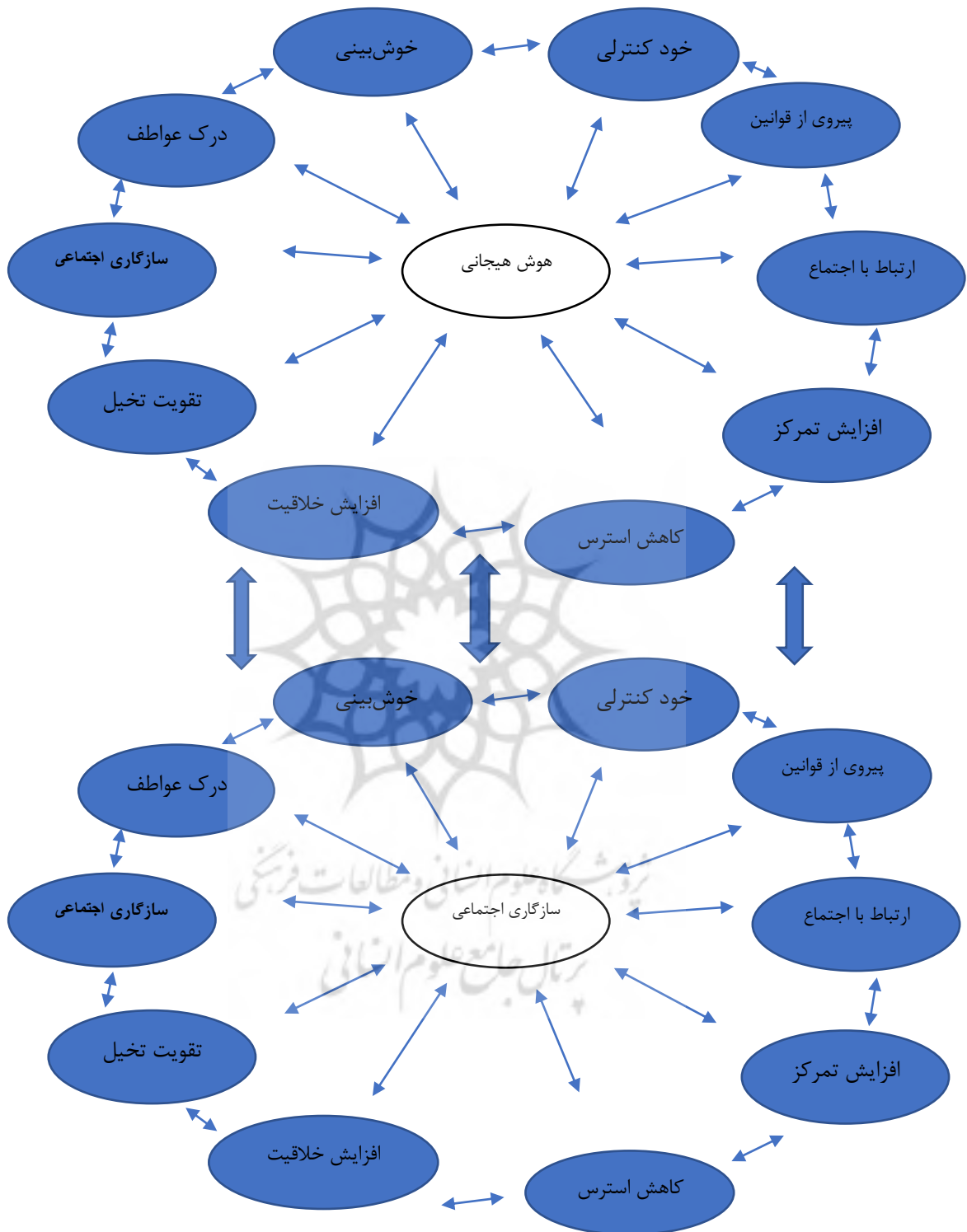
مولفه سازگاری شغلی

۰٫۰۲

برای آزمون وجود رابطه بین مولفه سازگاری شغلی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی از همبستگی استفاده گردید، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار $r=0/39$ و سطح معنی داری $=0/02$)، می توان اظهار داشت که بین مولفه سازگاری شغلی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی با اطمینان لازم رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه مورد نظر تایید می شود. فرضیه - بین مولفه سازگاری خانوادگی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد. جدول-همبستگی بین مولفه (سازگاری اجتماعی) سازگاری خانوادگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

پیشرفت تحصیلی			متغیر مستقل	متغیر وابسته
تعداد	همبستگی	سطح معناداری		
۵۲	۰٫۵۱-	۰٫۰۰۱	مولفه سازگاری خانوادگی (سازگاری اجتماعی)	

برای آزمون وجود رابطه بین مولفه سازگاری خانوادگی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی از همبستگی استفاده گردید، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار $r=0/51$ و سطح معنی داری $=0/001$)، می توان اظهار داشت که بین سازگاری خانوادگی (سازگاری اجتماعی) و پیشرفت تحصیلی با اطمینان لازم رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه مورد نظر تایید می شود.



هدف از مطالعه ی حاضر، تعیین میزان رابطه ی سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بود. یافته های پژوهش نشان داد که پیشرفت تحصیلی و مولفه های آن (سازگاری شخصی، سازگاری اجتماعی، سازگاری تحصیلی، سازگاری شغلی، سازگاری خانوادگی) با سازگاری اجتماعی در کودکان ساله ۹ تا ۱۱ رابطه معناداری دارد. این یافته ها بیان می کند که این گروه توانایی خوش بینی و درک عواطف خود و دیگران را دارند که تعیین کننده ی میزان سازگاری آنان با دیگران است.

این یافته با نتایج پژوهش خدادوست و کریمی (۱۳۸۹)، عبدالله و همکاران (۲۰۰۹)، بیکر (۲۰۰۶)، زهراکار (۱۳۸۳) و فنونی (۱۳۸۰) همسو می باشد. سازگاری تحصیلی به عنوان انطباق با محیط مدرسه، معلمان، همکلاسیها، مواد آموزشی، محتوای دروس، داشتن علاقه به آموزش و توجه به دروس تعریف شده است (امین خندقی و فراست، ۲۰۱۱). پژوهشها نشان داده اند عوامل متعددی در سازگاری تحصیلی دانش آموزان نقش دارند.

ادراک دانش آموزان از جنبه های متفاوت فضای مدرسه نظیر ناهمخوانی و اختلاف نظر با عوامل مدرسه، رقابت با سایر دانش آموزان در ایجاد مشکلات رفتاری آنان سهم بسزایی دارد (لوکاس و مورفی، ۲۰۰۷). پذیرش ویژگیهای فردی دانش آموزان توسط معلم (مرکز و دی روسیر، ۲۰۰۸)، کیفیت ارتباط معلم - دانش آموز (بیکر، ۲۰۰۶) و پذیرش اجتماعی همسالان از جنبه های مهم سازگاری دانش آموزان است (مرکز و دی روسیر، ۲۰۰۸؛ هیون، سیاروچی، و ویال، ۲۰۰۸؛ بوهس، ۲۰۰۵). دانش آموزانی که تصور می کنند حمایت بسیاری را از سوی شبکه اجتماعی (والدین، دوستان و معلمان) دریافت می کنند، بیشتر از رفتارهای مشکل آفرین اجتناب می کنند، از مدرسه احساس رضایت بیشتری داشته، احساس خودکارآمدی بیشتری دارند، ساعات زیادی را برای مطالعه صرف می کنند و نمرات بالاتری به دست می آورند (روزنفیلد، ریچمن، باون، ۲۰۰۰). بنابراین می توان گفت پیامدهای تحصیلی مثبت هنگامی افزایش می یابد که عوامل مختلف آموزشگاهی نظیر عوامل فیزیکی، رفتاری و ارتباطی زمینه ی مساعدی را برای سازگاری دانش آموزان فراهم سازد.

اساساً هر چقدر کودک بزرگتر می شود، تمایلات درون گرایی و نوسان های خلقی او بیشتر می شود و این امر سازگاری او را با دیگران تا حدی دشوار می سازد، اما زمانی که نوجوان پا به عرصه ی جوانی می گذارد، به آرامش خلقی می رسد و روابط او با دیگران بسیار سازنده تر و گرمتر است، زیرا از پشتوانه ی آگاهی و عقلی بالاتری برخوردار است.

منابع

۱. سیف، ع. (۱۳۸۴). روانشناسی پرورشی. تهران: نشر آگاه.
۲. سرمد، زهره، حجازی، الهه و عباس بازرگان (۱۳۹۰). روش تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه.
۳. ربیعی، سمیه. (۱۳۹۲). مقایسه عزت نفس، سازگاری، سلامت روان و امید تحصیلی در بین نوجوانان دارای رابطه با جنس مخالف و فاقد رابطه با جنس مخالف، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۴. غفارزادگان، د. (۱۳۶۸). چگونه می توان به پیشرفت تحصیلی کودکان کمک کرد. نشریه ماهانه پیوند. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۱۲۳
۵. تمنائی فر، محمدرضا، منصوری نیک، اعظم (۱۳۹۸) پیش بینی پیشرفت تحصیلی براساس مؤلف ههای سازگاری در دانش آموزان، فصلنامه علوم رفتاری.
۶. تربتی نژاد، حسین، سعیدی پور، پریمه (۱۳۹۹) رابطه عملکرد خانواده و سازگاری اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه (فصلنامه مطالعات علوم رفتاری)
۷. نیکنام، فخرالزمان، (۱۳۹۳)، مقاله تاثیر هوش هیجانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
۸. دهشیری، غلامرضا، (۱۳۸۲)، مقاله بررسی رابطه هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
۹. گنجی، ح. (۱۳۸۶)، روانشناسی عمومی. تهران: نشر ساوالان.
۱۰. براهنی، م. (۱۳۶۹). زمینه روانشناسی (جلد دوم). تالیف ارنست هیلگارد. (۱۹۸۳) و ریتال اتکینسون. تهران: انتشارات رشد.
۱۱. فرخنده، م. (۱۳۸۶) آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی. تهران: انتشارات پیام نور.
۱۲. حسن زاده، رمضان و ساداتی کیادهی، سید مرتضی. (۱۳۸۸). هوش هیجانی (مدیریت احساس، عاطفه و هیجان)، انتشارات نشر روان.
۱۳. حیدری، ح. (۱۳۹۰). بررسی رابطه میان هوش و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر پایه اول دبیرستان حضرت محمد (ص) شهرستان ملک آباد. پایان نامه کارشناسی. دانشگاه خوارزمی
۱۴. کرامت، احمد رضا (۱۴۰۰) سلامت روان چیست؟ انتشارات گروه تحقیقاتی کرامت.
۱۵. شجاعی، بید واز. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل آموزشی موثر بر افت تحصیلی دانش آموز پایه اول مقطع متوسطه پسرانه در شهرستان اسفراین در سال تحصیلی ۸۸ و ۸۹. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم
۱۶. شلویری، گلرخ. (۱۳۷۷)، بررسی ارتباط ویژگی ها و مکان کنترل مادر و فرزند با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر پایه چهارم ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه تهران
۱۷. اسکندری نسب، علی اصغر، اسکندری نسب، حمید (۱۳۹۹) هوش هیجانی (EQ) و مدیران کار آمد، انتشارات ماهواره.
۱۸. نظری گندشمین، محمد (۱۳۹۸) نقش هوش هیجانی و نگرش به صمیمیت در پیش بینی سلامت روان دفاعیه ارشد.

۱۹. قاسم نژادیانی، قاسم، یوسفوند، مرضیه (۱۴۰۰) هوش هیجانی و منبع کنترل با سلامت روان، انتشارات جالیز
۲۰. یار احمدیان، احمد، شرفی راد، حیدر (۱۳۹۴) تحلیل رابطه ی بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در نوجوانان.
۲۱. سرمد، ز؛ بازرگان، ع. و حجازی، ا. (۱۳۸۷) روش های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات آگاه.
۲۲. گلمن، دانیل (۱۳۸۲). هوش هیجانی. ترجمه نسرين پارسا. چاپ دوم. انتشارات رشد.
۲۳. حجازی، الهه، بازرگان، عباس، سرمد، زهره (۱۳۷۶) روش های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات نشر آگاه
۲۴. تات مریم، امیری شعله، شفتی سیدعباس عملکرد تحصیلی دانش آموزان مدارس مقطع متوسطه دخترانه اصفهان: دارای آزمون ورودی - بدون آزمون ورودی. مطالعات روانشناسی تربیتی. ۱۳۸۸ [
۲۵. ابوالقاسمی، ع.، جوانمیری، ل.، ۱۳۹۱. نقش مطلوبیت اجتماعی، خودکارآمدی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر. روانشناسی مدرسه

۱. Mayer, J.D, & Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence? In P. Salovey, & D. Sluyter (Eds), Emotional development and emotional intelligence: Educational implications. New York: Basic Books.

